



A Methodological Study of “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [“The Study Quran”]^۱

MohamadAli Rezaee Esfehani^۲

Abstract

The Orientalists’ movement of Quranic studies from the ۱۹th century onwards has had three distinct periods; the first concentrated on the critique of the Quran, the second one accompanied by a colonial and evangelical movements, and the third had a scientific mask. “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” (The Study Quran) in recent years by several American orientalists and edited by Dr. Seyyed Hossein Nasr in eight volumes as the first volume (including Surah Hamad, Baqarah, A’le-Imran) has been translated into Persian and published is included in the third category.

The methodological critique of this work is discussed in this article. First, the strengths of this work, including: the original English language [not translation] and its fluent translation and defense of the revelation of the Quran, are expressed here, then dealt to criticize the principles, interpretive method and mystical approach, as well as the authors’ positions on religious pluralism, diluting verses against Judaism and Christianity and darkening the verses of Ahl al-Bayt (A.S), the Shiite view and the miracle of the Quran. Finally, this book has been considered as the cause of the abandonment of the Quran in the current era, especially in Western societies.

Keywords: Quran, Orientalists, Interpretation, Contemporary, Seyyed Hossein Nasr.

^۱. Date of Submit: ۱۶, April, ۲۰۲۱ and Date of Accept: ۱۸, June, ۲۰۲۱.

^۲- Full Professor of Al-Mustafa international university, (Corresponding Author) rezaee@quran.com.



بررسی روش شناختی «تفسیر معاصرانه قرآن کریم»*

محمدعلی رضایی اصفهانی^۱

چکیده

جریان مطالعات قرآنی مستشرقان از قرن دوازده میلادی به بعد سه دوره مشخص داشته است که دوره اول به انتقاد از قرآن بود؛ و دوره دوم مطالعات قرآنی همراه حرکت استعماری و تبشیری گردید؛ و در دوره سوم نقاب علمی به چهره زد. یکی از آثار دوره سوم کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» (The Study Quran) در سال های اخیر به قلم چند نفر از مستشرقان آمریکایی و با سرویراستاری دکتر سید حسین نصر در هشت جلد نگارش یافته است که جلد اول آن (شامل سوره حمد، بقره، آل عمران) به فارسی ترجمه و منتشر شد. در این نوشتار به نقد روش شناختی این اثر پرداخته شده است. نخست نقاط قوت این اثر از جمله: زبان انگلیسی اصیل و ترجمه روان آن و دفاع از وحیانیت قرآن بیان شده است، سپس به نقد مبانی، روش تفسیری و رویکرد عرفانی و نیز مواضع نویسندگان در مورد پلورالیسم دینی، کم رنگ کردن آیات مخالف یهود و مسیحیت، و نیز کم رنگ سازی آیات اهل بیت (علیهم السلام)، دیدگاه شیعه و اعجاز قرآن پرداخته شده است. در نهایت این کتاب موجب مهجوریت قرآن در عصر حاضر به ویژه در جوامع غربی دانسته شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مستشرقان، تفسیر، معاصرانه، سید حسین نصر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۷ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۸.

^۱ - استاد جامعه المصطفی العالمية - rezaee@quransc.com



مقدمه:

جلد اول کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» در سال ۱۳۹۹ش در تهران به زبان فارسی توسط انتشارات سوفیا نشر یافته است. این کتاب جلد اول از هشت مجلد (The study Quran) است که نام اصلی آن «مطالعه قرآن» (یا قرآن شناخت) بوده و در ترجمه فارسی نام «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» برای آن انتخاب شده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن، ۱۳۹۹: ۶/۱).

جلد اول این کتاب به فارسی ۷۵۰ صفحه است که شامل مقدمه‌ای طولانی از مترجم و سرویراستار و تفسیر سوره‌های حمد، بقره و آل عمران است. نگارش این کتاب با سفارش انتشارات «هارپر فرانسیسکو» - که اکنون به نام هارپروان (Harper one) - خوانده می‌شود، به آقای سید حسین نصر از حدود ۹ سال قبل شروع شد (همان: ۶۶/۱).

نویسندگان اصلی کتاب دو نفر از مستشرقان تازه‌مسلمان آمریکایی به نام‌های «ماریا دکاکه»، «جوزف لومبارد» و یک نفر مسلمان زاده آمریکایی به نام «جانر دگلی» است و یک کمک ویراستار آمریکایی به نام «محمد رُستم» آن‌ها را همراهی کرده است، آنان با انتخاب و زیرنظر آقای «سید حسین نصر» این اثر را پدید آورده‌اند (همان: ۶۷/۱)؛ و آقای «انشاء الله رحمتی» جلد اول آن را به فارسی ترجمه کرده و مقدمه و توضیحات مختصر در باورقی‌ها بدان افزوده است و آقای «مصطفی ملکیان» ترجمه فارسی را ویراستاری کرده‌اند.

اول: جایگاه تفسیر معاصرانه قرآن در جریان قرآن پژوهی مستشرقان

دوره اول استشراق پس از جنگ‌های صلیبی (حدود قرن ۱۲ میلادی به بعد) که مستشرقان به «ردیه‌نویسی» نسبت به قرآن و پیامبر اسلام ﷺ می‌پرداختند و در این حرکت موفق نشدند؛ دوره دوم حدود قرن ۱۸ تا اواسط قرن ۲۰ میلادی که استشراق تبشیری به وجود آمد و تلاش مستشرقان برای مسیحی‌سازی کشورهای اسلامی در راستای کمک به استعمار اروپائیان بود و این حرکت هم با شکست مواجه شد؛ دوره سوم از اواخر قرن ۲۰ تاکنون است که حرکت مستشرقان با ظاهری علمی همراه شد؛ یعنی به نوعی جنگ نرم فرهنگی علیه قرآن پرداختند (ر.ک: زمانی، دوره‌های استشراق، ۱۳۸۶). از مهمترین دستاوردهای این دوره در سال ۲۰۰۳م «دائرةالمعارف قرآن لیدن» هلند با سرویراستاری خانم مک اولیف آمریکایی (ر.ک: رضایی اصفهانی، بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن، ۱۳۸۵)؛ و نیز در سال ۲۰۰۹م «قرآن یک دائرةالمعارف» (که در فارسی با عنوان دانشنامه قرآن ترجمه شده)، با سرویراستاری اولیور لیمن آمریکایی بود (ر.ک: رضایی اصفهانی و اعتصامی، بررسی

دائرة المعارف قرآن اولیور لیمن، ۱۳۸۸) که مجله قرآن پژوهی خاورشناسان در بیش از صد مقاله این دو اثر را نقد و بررسی کرده است و اینک این سومین اثر بزرگی است که در مطالعات قرآنی غرب به ثمر نشست است؛ اما تفاوت این اثر با دو اثر قبلی آن است که اولاً نویسندگان مسلمان و سرویراستار ایرانی است و دو اثر قبلی ادعای تفسیر قرآن نداشتند، ولی این اثر تحت عنوان «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» منتشر شده است. البته باز هم نویسندگان اصلی با احتیاط نام آن را مطالعه قرآن (قرآن شناخت) گذاشتند، ولی مترجم و ویراستار فارسی جرئت کردند و نام آن را تفسیر گذاشتند که بار معنایی زیادی دارد.

البته قبلاً نیز یک تفسیر قرآن به زبان آلمانی از یک نفر عرب تبار به نام «خاخوری» منتشر شد که در مجله قرآن پژوهی خاورشناسان معرفی گردید (ر.ک: زمانی و شفر، بررسی تفسیر قرآن به زبان آلمانی اثر پروفیسور عادل تنودر خوری، ۱۳۹۲).

دوم: نقاط مثبت تفسیر معاصرانه قرآن کریم:

۱. توجه به قرآن کریم در غرب به ویژه آمریکا زیادتر شده است تا آنجا که تفسیر قرآن به زبان انگلیسی مورد توجه قرار گرفته است؛ و این زمینه می تواند فرصتی برای قرآن پژوهی مسلمانان باشد که در این صحنه وارد شوند و مردم جهان را با قرآن آشنا تر کنند.

۲. ورود تازه مسلمانان به قرآن پژوهی غرب و نگاه مؤمنانه به قرآن (برخلاف جریان قرآن پژوهی مستشرقان قبلی) اقدامی ابتکاری است که اگر اشکالات آن برطرف شود، می تواند آثار مفیدی به بار آورد.

۳. ورود ایرانیان شیعه به صحنه قرآن پژوهی مستشرقان و سرویراستاری اثری بزرگ به زبان انگلیسی اصیل قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) فراهم سازد. البته اگر نقاط ضعف این حرکت جدید برطرف شود.

۴. دفاع از وحیانیت قرآن کریم که پدیده ای مثبت است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۴۸/۱)؛ و البته این دیدگاه در میان قرآن پژوهان مستشرق نادر است؛ چراکه معمولاً قرآن را همچون تورات و انجیل دست ساخته بشر می دانند و نگاه آنان به وحی همچون مفهوم وحی در فرهنگ غرب است که لازم نمی دانند الفاظ از خدا باشد و به پیامبر القاشده باشد، بلکه تجلی خدا در تاریخ و نگارش لوقا، متی، یوحنا و مرقس وحی شمرده می شود. در حالی که وحی قرآنی، محتوا و الفاظ از خداست که توسط جبرئیل به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) وحی شده است و بشر در ساخت و پرداخت آن اثری نداشته است. از این رو وحیانیت قرآن در فرهنگ اسلامی (به معنای الهی بودن محتوا و الفاظ) با مفهوم



وحی در فرهنگ غرب متفاوت است.

۵. وجود واژه‌نامه و نمایه احادیث و اسامی در آخر کتاب به‌خوبی آماده‌سازی شده است و مطالب کتاب را زودیاب کرده است.

سوم: نقاط ضعف و آسیب‌ها و اشکالات «تفسیر معاصرانه قرآن کریم»

این تفسیر در چند محور قابل نقد و بررسی و ارائه راهکار است.

۱. نام‌گذاری

الف: نام تفسیر

این اثر در زبان انگلیسی «The study Quran» مطالعات قرآنی یا قرآن‌شناخت نام‌گرفته که مترجم فارسی در صفحه ۶۶ همین مطلب را تذکر داده است، ولی در فارسی «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» نام‌گرفته است که این تغییر نام موجب سوءتفاهم می‌شود و اشکالات روش‌شناختی را بر اثر وارد می‌کند، چون واژه «تفسیر» بار معنایی خاصی در فرهنگ اسلامی دارد و لوازمی را نیاز دارد که این اثر فاقد آن‌هاست.

تفسیر: کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌هاست. به عبارت دیگر، مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ۱۳۹۶: ۶/۲).

درحالی‌که در این کتاب مطالعات قرآنی برخی مفسران جمع‌آوری شده است، ولی مقاصد آیات بیان نشده و اصلاً نویسندگان شرایط مفسر قرآن را نداشته‌اند که صلاحیت نگارش تفسیر معتبر را داشته باشند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود، در چاپ‌های بعدی و مجلدات بعدی حتماً نام کتاب اصلی بر روی جلد ثبت شود.

ب: نام معاصرانه

واژه «معاصرانه» که در نام انگلیسی کتاب نبوده است، توسط مترجم یا ویراستار فارسی بر کتاب نهاده شده است، ولی این واژه نیز متناسب این کتاب نیست، چون مفهوم «معاصرانه» ممکن است، در چند معنا به کار برود:

۱. استفاده از روش‌های جدید تفسیری (مثل تفسیر موضوعی تطبیقی، میان‌رشته‌ای و برون قرآنی شهید صدر و...):
 ۲. استفاده از روش‌ها و قواعد جدید در تفسیر (مثل قاعده بطن آیت‌الله معرفت و...):
 ۳. استفاده از رویکردهای تفسیری جدید (مثل تفسیر تدبیری، ساختاری، تنزیلی و...):
 ۴. استفاده از گرایش‌های جدید تفسیری (مثل تفسیر اجتماعی، تربیتی، سیاسی و...):
 ۵. استفاده از فنون جدید در تفسیر (مثل مباحث قرآن و هنر و رسانه و محیط مجازی و...):
 ۶. توجه به تفاسیر معاصر و جدید قرآن در تألیف تفسیر؛
 ۷. توجه به سؤالات جدید و معاصر بشر و پاسخ به شبهات و سؤالات آن‌ها از منظر قرآن؛
 ۸. توجه به مسائل معاصر مسلمانان در تفسیر (مثل استعمار، اسرائیل، و...):
 ۹. توجه به رویکرد انقلابی در تفسیر برای پایه‌ریزی و تقویت نهضت‌های اسلامی معاصر.
- ولی هنگامی که به «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» مراجعه می‌کنیم، هیچ‌کدام از معانی فوق را در آن کتاب نمی‌بینیم، بلکه این تفسیر بیشتر نقل اقوال مفسران گذشته (به صورت ناقص) و گاهی همراه با تحلیل است، بنابراین نام‌گذاری این تفسیر به «معاصرانه» وجهی ندارد، به‌ویژه آنکه مؤلفان اصلی در نام‌گذاری انگلیسی چنین واژه‌ای نیامده است.

۲. روش‌شناسی

تفسیر قرآن، دانشی است که دارای مبانی، قواعد و روش‌های خاص خویش است و در دهه‌های اخیر بسیار بالنده شده و در این موارد کتب متعددی نگاشته شده است (ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۱۳۸۷؛ مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۱۳۸۹ش؛ فاکر میدی، قواعد التفسیر لدی الشیعة و السنة، ۱۴۲۸)؛ و مراکز تخصصی تفسیر و رشته‌های قرآنی به صورت واحدهای درسی تدریس می‌شود.

از این رو برای نگارش یک کتاب تفسیری لازم است:

نخست: مبانی تفسیری آن تعریف شود؛ دوم: قواعد تفسیری در آن بیان و رعایت شود؛ سوم: روش‌های تفسیری مورد استفاده دقیقاً مشخص و رعایت شود.

در این کتاب گاهی از روش تفسیر قرآن به قرآن (به صورت سطحی) استفاده شده؛ یعنی برای فهم آیات به آیات دیگر استناد شده است و در ص ۸۸ به روش تفسیر روایی اشاره شده که از احادیث پیامبر ﷺ در تفسیر استفاده می‌شود، ولی هیچ‌گونه اشاره‌ای به روایات تفسیری اهل بیت ﷺ نشده است، هر چند که گاهی در برخی موارد از احادیث امام صادق ﷺ استفاده شده است؛ اما در بسیاری از موارد



هم غفلت شده است. همچنین روش‌های دیگر تفسیری مثل تفسیر علمی، عقلی و اشاری بیان نشده است، هرچند که گاهی از تفسیر عرفانی استفاده شده و در مقدمه هم ادعای عقلانی بودن تفسیر مطرح شده است؛ بنابراین لازم است، این نقصان بزرگ جبران شود، وگرنه خطر تفسیر به رأی جدی است. این در حالی است که در پشت جلد کتاب مترجم ادعای بزرگی کرده است (بر مبنای عالی‌ترین سطح پژوهشی به رشته تحریر در آمده است) که این مطلب با ابهام و نقصان روش‌های تحقیق و تفسیر کتاب ناسازگار است.

۳. منابع تفسیری

در بخشی از کتاب، حدود ۴۰ تفسیر قرآن به عنوان منبع تفسیری تحت عنوان «مفسران بزرگ» نام برده شده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۹۱/۱)، ولی حدود ۶ مورد آن‌ها از تفاسیر شیعه و بقیه از تفاسیر اهل سنت است و این مطلب موجب شده است که:

نخست: حضور تفاسیر و مفسران شیعه در این کتاب کمرنگ شود، به طوری که ذیل برخی آیات (مثل آخر سوره حمد در بحث آمین) فقط دیدگاه‌های مفسران اهل سنت (قرطبی - ابن کثیر) بیان شده است (همان: ۱۲۱/۱). این مطلب برخلاف ادعایی است که آقای سید حسین نصر در مقدمه کتاب آورده‌اند:

«نمی‌خواستم که در کار این اثر هیچ‌گونه حدود مرز مذهبی، نژادی یا جغرافیایی وجود داشته باشد» (همان: ۶۷/۱).

دوم: برخی منابع تفسیری اهل سنت مثل جامع البیان طبری پر از اسرائیلیات و روایات ضعیف است، به طوری که بزرگان اهل سنت نیز آن را نقد کرده‌اند، از جمله شیخ محمد عبده در مورد تفسیر طبری می‌گوید: «جنون نقل روایت دارد» (رشیدرضا، المنار، ۱۹۹۰: ۹/۳-۲۹۸).

این در حالی است که در کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم مکرر به این منبع غیر معتبر استناد شده است.

سوم: برخی منابع تفسیری که به عنوان مفسران بزرگ از آن‌ها نام برده است (همان: ۹۱/۱)؛ در جهان اسلام کمتر شناخته شده و مورد استناد هستند. مانند تفسیر «البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید»، احمد بن عجبیه (م ۱۲۲۴) و در مقابل بسیاری از تفاسیر مهم و معتبر و مشهور شیعه مثل تفاسیر قدیمی روایی مانند: «تفسیر عیاشی»؛ «نور الثقلین» عروسی حویزی، و نیز تفاسیر معاصر: تفسیر «تسنیم» آیت الله جوادی آملی (حدود ۵۰ جلد) و «تفسیر نمونه» (حدود ۲۷ جلد) و ... و نیز تفاسیر مشهور اهل سنت مثل: «تفسیر فی ظلال القرآن»، سید قطب، «المنار»، رشیدرضا و ...

استفاده نشده است؛ بنابراین لازم است، در منابع تفسیری کتاب فوق بازنگری جدی صورت گیرد.

۴- استناد به قرائات غیر معتبر

در تفسیر قرآن تنها قرائت متواتر مسلمانان (که بیشترین تطابق را با قرائت حفص از عاصم دارد) می تواند، قرآن بودن یک آیه را اثبات کند و عموم قرائت‌ها، غیر از قرآن هستند و نمی تواند مستند تفسیر قرار گیرد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۶: ۱/۳۷۷).

در حالی که مکرر در «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» به قرائات استناد شده است و حتی قرائت غیر متواتر را دقیق تر دانسته است، از جمله در تفسیر سوره حمد در مورد تفسیر «مالک یوم الدین» می نویسد: «گاهی آن را «مَلِک» به معنای پادشاه یا حکمران نیز قرائت می کنند» سپس ملک (پادشاه) را از مالک دقیق تر دانسته اند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۶۷)؛ بنابراین لازم است، کتاب فوق پالایش شود و استناد به قرائت‌های قرآن اصلاح شود.

۵- نویسندگان کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن»

یکی از شرایط تفسیر معتبر قرآن آن است که شخص تفسیرکننده دارای شرایطی باشد، قرآن پژوهان تا حدود ۱۴ شرط بیان کرده اند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۶: ۱۱۲/۲)؛ و تفسیر قرآن توسط شخصی که شرایط را ندارد، یکی از مصادیق تفسیر به رأی است (همان: ۲/۲۷۷-۳۲۳)؛ چون در احادیث زیادی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «من فسر القرآن برأیه فلیتوبه مقعده من النار» (بحرانی، تفسیر البرهان، ۱۳۸۹: ۱۶؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۷: ۳/۷۵)؛ «من قال فی القرآن بغیر علم فلیتوبه مقعده من النار» (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۳۹۷: ۵/۱۹۹؛ قرطبی، تفسیر قرطبی، ۱۴۱۸: ۱/۲۷)؛ متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۳: ۲/۱۰)؛ در سنن ترمذی، این حدیث را حسن می دانند؛ بنابراین لازم است، کتاب فوق توسط مفسر قوی قرآن مورد بازنگری قرار گیرد تا خطر تفسیر به رأی برطرف شود.

۶. اشکالات محتوایی

در کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» چند رویکرد غالب ظاهر شده است:

الف. دفاع از پلورالیسم دینی

در این تفسیر از پلورالیسم دینی دفاع شده است و به معنی حقانیت و نجات پیروان همه ادیان است که با آیات زیادی از قرآن منافات دارد (همچون آیاتی که کافران را اهل دوزخ معرفی می کند مثل آیه ۱۶۱-۱۶۲ سوره بقره و ...).



این مطلب ذیل آیه ۶۲ سوره بقره دیده می شود که نویسنده خود را به زحمت انداخته است تا پلورالیسم را توجیه کند. نویسنده در تفسیر آیه ۶۲ سوره بقره می گوید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» «در حقیقت، کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده اند و کسانی که به (آیین) یهود گرویدند و مسیحیان و صابئان (پیرو یحیای پیامبر)، کسانی (از آنان) که به خدا و روز بازپسین ایمان آوردند و [کار] شایسته انجام دادند، پس برای آنان پاداششان نزد پروردگارشان است؛ و نه هیچ ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می شوند.»

نخست معنای لغوی و اصطلاحی «صابئان، نصاری، هادو» می پردازد، سپس کلام قشیری و ابوحامد غزالی را در تأیید نجات کافران (پلورالیسم) نقل می کند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۹۱/۱)؛ سپس اقوال مفسران دیگر را به تفصیل می آورد و در پایان نتیجه گیری می کند که قول غزالی در مورد مشمول رحمت شدن کافران، ترجیح دارد و حتی شواهدی بر مؤمن بودن مسیحیان و یهودیان اقامه می کند (همان: ۱۹۳/۱).

در حالی پلورالیسم نجات مخالف آیات قرآن است که کافران را اهل دوزخ معرفی می کند و متفکران اسلامی مثل شهید مطهری در کتاب عدل الهی و مفسران معاصر مثل آیت الله جوادی ذیل آیه ۶۲ بقره در تفسیر تسنیم و حتی برخی نویسندگان در کتاب های مستقل مثل قرآن و پلورالیسم، قدردان قراملکی، اقوال و دلایل را آورده و دقیق بررسی کرده اند و پلورالیسم را مخالف قرآن دانسته اند.

ب. کم رنگ کردن آیات مخالف عقاید یهود و مسیحیت در آیات مربوطه

برای مثال ذیل آیه ۶۱ سوره بقره را بنگرید:

«وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِعَصَابٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» «و (یاد کنید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! بر یک غذا شکیبایی نمی کنیم؛ پس برای ما از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می رویاند، از سبزی اش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش، برای ما بیرون آورد.» (موسی) گفت: «آیا چیزی را که پست تر است جای گزین چیزی می کنید که آن بهتر است؟ در شهری فرود آید؛ چرا که آنچه خواستید (در آن جا) برای شما هست.» و (نشان) خواری و بینوایی بر آنان زده شد و باز گرفتار خشمی از جانب خدا شدند؛ این به خاطر آن است که آنان همواره

به نشانه‌های خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند؛ این از آن روی بود که نافرمانی کردند و همواره [از حدّ] تجاوز می‌کردند.»

نویسنده تفسیر، ذیل این آیه بزرگ فقط یک صفحه تفسیر نوشته است که همگی در مورد غذاها و هبوط و مصر است. فقط یک جمله در مورد کشتن پیامبران توسط یهود در آخر بحث آورده است که در کتاب مقدس نیز اشاره شده است (همان، ۱/ ۱۸۸-۱۸۷)

و نیز نگاه کنید ذیل آیات ۸۵ و ۸۶ سوره بقره که هیچ تفسیری در مورد اعمال زشت یهود و مجازات آن‌ها ذکر نکرده است (همان: ۱/ ۲۲۲)؛ و ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران، اجمال گویی و ابهام گویی در مورد عروج عیسی علیه السلام (همان: ۱/ ۵۵۳).

ج. کمرنگ کردن عقاید شیعی یا عدم ذکر آن‌ها

به‌عنوان مثال ذیل آیه آخر سوره حمد که مبحث «آمین» را مطرح می‌کند، از ابن کثیر و قرطبی اقوال اهل سنت را نقل می‌کند که گفتن آمین را واجب یا مستحب می‌دانند، ولی هیچ اشاره‌ای به احادیث اهل بیت علیهم السلام و دیدگاه فقها و مفسران شیعه نمی‌کند (همان: ۱/ ۱۲۱) که گفتن آمین را بدعت و موجب بطلان نماز می‌دانند.

مثال دیگر: ذیل آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره/ ۲۰۷)؛ در کتاب اقوال متعددی در مورد اصحاب ثروتمند و خوابیدن امام علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در لیلۃ المیّت نقل می‌کند، ولی هیچ ترجیحی نمی‌دهد (همان: ۱/ ۳۷۶) و اشاره به دلایل معتبر قول شیعه نمی‌کند، در حالی که سرور استار شیعه است.

د. کمرنگ کردن اعجاز قرآن

نویسنده ذیل آیه ۲۳ بقره ۱۴۳ در مورد آیات تحدّی (مبارزه طلبی قرآن) در مورد اعجاز قرآن، فقط به زیبایی، وضوح، بلاغت، ذاتی مراتب معنایی اشاره می‌کند و در پاورقی به اخبار غیبی و عدم اختلاف در آن اشاره می‌کند و هیچ مصداقی برای آن نمی‌آورد (همان: ۱/ ۱۴۳).

در مورد اعجاز قرآن تا سال ۱۳۹۲ ش ۸۶ وجه ذکر شده است که در مورد هر یک کتاب و مقالات نگاشته شده است (ر.ک: رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲، ۱۳۹۲: ۲)؛ به‌ویژه اعجاز علمی قرآن در حوزه‌های علوم طبیعی (مثل پزشکی و کیهان‌شناسی و ...) و حوزه‌های علوم انسانی (مثل تربیت و ...) که در غرب و شرق بسیار مورد توجه قرار گرفته و حتی برخی مستشرقان به‌واسطه آن‌ها مسلمان شده‌اند (ر.ک: بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۸)؛ و این در حالی است که تفسیر



معاصرانه است و لازم بود، به ابعاد اعجاز قرآن در عصر حاضر توجه ویژه کنند.

هـ. کمرنگ کردن آیات جهاد در قرآن

برای نمونه بنگرید به تفسیر آیات ۴-۹۱ سوره بقره و توجیهاتی که برای آن‌ها شده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۳۶۰-۳۵۵).

و. شاعرانه دانستن زبان قرآن

سر و پرستار کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم در مقدمه می‌نویسد: «زبان عربی قرآن کریم در جاهایی زبان تعلیمی و روایت امور واقع است و در جاهایی دیگر استعاری تأویلی، رمزی و بسیار شاعرانه است.» (همان: ۱/۵۰)، سپس به این نکته توجه می‌کند که قرآن شاعران را نکوهش کرده است (شعراء/۲۶)؛ و در توجیه سخن خود می‌نویسد: «قرآن اثری با برترین کیفیت و قدرت شاعرانه است» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۵۱)؛ باید توجه کرد که نخست اینکه قرآن کریم خود در برخی آیات شعر بودن آیاتش و شاعر بودن پیامبر ﷺ را ردّ می‌کند و آن را تهمت می‌داند:

«بَلْ قَالُوا أَضْغَاتٌ أَلْهَمَ بَلِ افْتِرَاءِ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ» (انبیاء/۵) «بلکه (مشرکان) گفتند: «(این قرآن) یک دسته خواب‌های پریشان است؛ بلکه آن را [به دروغ به خدا] نسبت داده است؛ بلکه او شاعر است؛ پس باید نشانه‌ای (معجزه‌آسا) برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیشینیان (از پیامبران، با معجزه) فرستاده شدند.»».

«وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكَو الْهَيْتَنَا لَشَاعِرٍ مُّجْتَوٍ» (صافات/۳۶) «و می‌گفتند: «آیا واقعاً ما معبودانمان را به خاطر شاعری دیوانه رهاکنیم؟!»».

«أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ» (طور/۳۰) «بلکه می‌گویند: «شاعری است که (حادثه) مرگ مشکوکی را برای او انتظار می‌کشیم.»».

«وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ» (حاقه/۴۱) «و آن گفتار شاعر نیست؛ چه اندک ایمان می‌آورد!»».

دوم: شعر سرشار از تخیل و غلو و مطالب کذب است که محتوای قرآن از این مطالب به دور است.

ز. طرح علوم غریبه در کتاب تفسیر

سر و پرستار کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم در مقدمه طولانی خود، به علم جفر و تأثیر آن در فهم و شهود قرآن اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«بر طبق علم جفر ارزش عددی الله ۶۶ است و همین طور است، در خصوص ارزش عددی آدم و حوا که وحدت دوجنسیتی شان حالت {تام} انسان را تشکیل می دهند، بدین سان به کمک علم جفر می توان این آموزه ژرف درباره حالت بشری در نسبت با خداوند را بی واسطه فهم و شهود کرد» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۳/۱).

بررسی

اولاً علم جفر و حجیت آن در فهم و تفسیر ثابت نشده است؛ و ثانیاً درباره حجیت شهود در تفسیر جای بحث و رد انکار زیاد است؛ ثالثاً این گونه مباحث در مورد قرآن بیشتر شبیه به ذوقیات است که ممکن است، منتهی به تفسیر به رأی شود.

ح. اظهارنظرهای عجیب فقهی

مثل ادعای اجماع فقیهان بر ممنوعیت آمیزش خاص با زنان، درحالی که هیچ گونه مستندی نقل نکرده است (همان: ۴۰۰/۱) و بسیاری از فقها این گونه آمیزش را جایز دانسته اند.

ط. استناد به روایت ضعیف «انا نقطه تحت الباء»

سرویراستار تفسیر معاصرانه قرآن، در مقدمه طولانی خود به روایت «انا نقطه تحت الباء» که منسوب به امام علی (علیه السلام) است، بدون ذکر مستند منبع استناد می کند و از آن روایت تمجید می نماید و می نویسد: «امام علی (علیه السلام) در اینجا به حالت باطنی هویت برتر یا وحدت برتر خویش به تحقق تام توحید {در خودش} اشاره دارد». و نیز اشاره می کند، این گونه احادیث را با علم جفر و خط عربی می توان فهم کرد (همان: ۵۴/۱).

بررسی

در مورد عبارت منسوب به امیر مؤمنان علی (علیه السلام): «أنا النقطة التي تحت الباء» یادآوری چند نکته لازم است:

این عبارت برای اولین بار در اواخر قرن چهارم توسط عبدالملک نیشابوری خرکوشی در کتاب «تهذیب الاسرار» به نقل از شبلی (م ۳۳۵) گزارش شده است.

بعد از کتاب تهذیب الاسرار که خود درباره اصول تصوف نوشته شده، این عبارت در کتاب های عرفانی دیگری مانند «نحوالقلوب» از ابوالقاسم عبدالکریم القشیری (م ۴۶۵)، «احیاء علوم الدین»، غزالی (م ۵۰۵)، «ثانیة» ابن الفارض (م ۶۳۲)، «مشاهد الأسرار القدسیة ومطالع الأنوار الالهیة»، ابن عربی (م ۶۳۸) به نقل از شبلی نقل شده است.



- در قرن ششم برای اولین بار عبارتی شبیه با عبارت مذکور توسط ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب به نقل از امام علی (علیه السلام) ذکر می شود که حضرت فرموده اند: «انا النقطة، أبا الخط، انا الخط، انا النقطة، انا النقطة والخط». که ذیل این عبارت ابن شهر آشوب تأویل فلسفی می آورد.
- در قرن هفتم برای اولین بار عین عبارت «أنا النقطة التي تحت الباء» در کتاب «الدر المنظم فی سرالاعظم» از ابن طلحة شافعی (م ۶۵۲) به حضرت علی (علیه السلام) نسب داده می شود (این نکته را بنده ندیدم؛ بلکه از مقاله (روایت «انا نقطة تحت الباء» در ترازوی نقد- از محسن دیمه- مجله علوم حدیث، سال بیستم، شماره سوم آوردم که ایشان از نسخه خطی این کتاب استفاده کرده است).
- در نهایت در قرن هشتم، عبارت «انا نقطة تحت الباء» توسط سید حیدر آملی در تفسیر المحيط الاعظم، جامع الاسرار و المقدمات من الاکتاب نص النصوص در جاهای مختلف آورده و به حضرت نسبت داده و به توضیح و تفصیل آن پرداخته است.
- بعد از قرن هشتم عبارت مذکور در کتابهای زیر آمده است (آملی، نفائس الفنون از، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۳۲؛ قمی، شرح التوحید صدوق، ۱۴۱۵: ۱/ ۵۳۸).
- نکته ای که مورد توجه است، کتابهای حدیثی و تفسیری معروف شیعه (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۹۸۳: ۴۰/ ۱۶۷؛ شبر، مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، بی تا: ۲/ ۴۶۶ و...) عبارت «انا النقطة، أبا الخط، انا الخط...» را می آورند و از آوردن عبارت مشهور «انا نقطة تحت الباء» اجتناب کرده اند.
- سید بن طاووس هیچ کدام از دو عبارت را نمی آورد، بلکه در تفسیر «ال الحمد لله بیان می کند (ابن طاووس، سعد السعود، ۱۳۸۶ ش: ۲۸۴).
- نکته آخر: عبارت «انا نقطة تحت الباء» از شبلی صوفی بوده که توسط افرادی که عارف مسلک بودند، در کتابهای تفسیری عرفانی خود آورده اند و از قرن هفتم به بعد این عبارت به امام علی (علیه السلام) نسبت داده شده است. عبارت «انا النقطة، أبا الخط، انا الخط...» نیز قرن ششم به بعد ظهور پیدا می کند و برای آن هیچ سندی ارائه نشده است.
- به نظر می رسد، اگر عبارت «انا النقطة، أبا الخط، انا الخط...» از امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد، می توان گفت: برخی از عرفا عبارت شبلی را مفهوم «انا النقطة، أبا الخط، انا الخط...» گرفته اند و به حضرت نسبت داده اند (ر.ک ضمیمه شماره یک).

۷- اشکال رویکردی (مهجور کردن قرآن)

مشکل اساسی تفسیر معاصرانه قرآن در رویکرد آن است که موجب مهجوریت قرآن در بین

مخاطبان می‌شود؛ چراکه این تفسیر برخلاف عنوان زیبا و فریبنده‌اش، محتوایی سنتی و غیرمرتبط با زندگی انسان معاصر ارائه می‌کند که خواننده هیچ لذتی از آن نمی‌برد و علاقه‌ای احساس نمی‌کند و ارتباطی با محتوای عالی و زندگی ساز قرآن برقرار نمی‌سازد، بلکه قرآن را متنی تاریخی با اقوال خشک مفسران قدیمی و غیر مرتبط با زندگی خویش می‌یابد؛ بنابراین قرآن که عامل حرکت جامعه و تحوّل در روح و روان مردم است، عملاً از کار می‌افتد و در جامعه مخاطبان به‌ویژه مردم زمین مهجورتر می‌گردد. این کار ظلمی به قرآن کریم است که آگاهانه یا ناآگاهانه نویسندگان تفسیر معاصران قرآن مرتکب شده‌اند و خود به این مطلب اعتراف می‌کنند.

دکتر حسین نصر در برخی سخنان شفاهی خود در مورد این کتاب تصریح می‌کند که کاری به تفاسیر صدساله اخیر مسلمانان از قرآن نداریم درحالی‌که تفاسیر معاصر (اجتماعی، تربیتی و...) تفسیری معاصران از قرآن ارائه داده‌اند و محتوای قرآن را با زندگی فردی و اجتماعی مخاطبان پیوند زده‌اند و موجب اشتیاق مردم به‌ویژه جوانان نسبت به قرآن شده‌اند.

آری کتاب تفسیر معاصران قرآن با نامی فریبنده، موجب مهجوریت قرآن می‌شود.

نتیجه

تفسیر معاصران قرآن کریم، پدیده‌ای نوآمد در حرکت مطالعات قرآنی مستشرقان است که با مشارکت برخی ایرانی‌ها به نگارش درآمده و دارای نقاط قوت و نقاط ضعف و مشکلات متعددی است که لازم است، ویرایش جدیدی از جلد اول با رفع اشکالات فراهم شود و نیز ترجمه جلد‌های بعدی به فارسی متوقف بر رفع اشکالات و تکمیل اثر و نام‌گذاری واقعی گردد.



ضمیمه:

«وجاء رجل إلى الشبلي فقال له: ما أنت؟ وكان هذا دأبه، فقال: أنا النقطة التي تحت الباء، فقال له الشبلي: أباد الله تعالى شاهدك أو تجعل لنفسك مكانا؟ وقال الشبلي في بعض كلامه: ذلي عطل ذل اليهود والتّصاري» (النيسابوري الخركوشي (م ۴۰۶)، تهذيب الاسرار في أصول التصوف، ۱۹۷۱: ۶۹/۴۲۳ - باب في ذكر تواضعهم وفنائهم عن أنفسهم)

و لو نظر إنسان ما إلى نص القشيري السابق ما استطاع أن يفهم شيئا غير عادي في النص لأن أسلوبه يسير، ومعناه أيسر، ولكن الصوفي له تأملات تحمله أدوارا باهظة في تعقب كل لفظة حيث يطيل التأمل فيها وفيما حملت من مذاقات و شحنات بل في تعقب كل حرف و حركة و نقطة فمن ذلك قول الشبلي (ت ۳۳۴ هـ) «أنا النقطة التي تحت الباء» «البسمة» (القشيري، نحو القلوب، بي تا: ۶۰).
و جاء رجل إلى الشبلي رحمه الله فقال له: ما أنت؟ وكان هذا دأبه وعادته، فقال: أنا النقطة التي تحت الباء. فقال له الشبلي. أباد الله شاهدك أو تجعل لنفسك موضعا (الغزالي، إحياء علوم الدين، ۱۳۹۰: ۱۷/۱۱).

و منهم الفلاسفة و هو أرجحهم، قال عليه السلام: أنا النقطة أبا الخط أنا الخط أنا النقطة أنا النقطة و الخط، فقال جماعة: ان القدرة هي الأصل و الجسم حجاب و الصورة حجاب الجسم لان النقطة هي الأصل و الخط حجاب و مقامه و الحجاب غير الجسد الناسوتي (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ۱۳۷۹: ۳۲۷/۱).

منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، انتشارات جامعه المصطفی عليه السلام العالمية، قم: ۱۳۸۸ش.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، انتشارات احسن الحديث، تهران: ۱۳۸۶ش.
۴. ابن عربی، محی الدین، مشاهد الأسرار القدسیة و مطالع الأنوار الإلهیة، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۲۰۰۹م.
۵. آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، محقق: محسن موسوی تبریزی، ناشر نور علی نور، قم، ۱۴۲۲.
۶. —، جامع الاسرار و منبع الانوار، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۶۷ش.
۷. —، فصوص الحکم شرح نص النصوص، ناشر توس، تهران: ۱۳۶۷ش.
۸. آملی، محمد بن محمود، نفائس الفنون فی عرائس العیون، انتشارات اسلامیه، تهران: ۱۳۸۱ش.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان، عاملی نباتی فتونی، ابوالحسن ابن محمد طاهر، تفسیر روایی البرهان: مرآت الانوار و مشکات الاسرار، مترجمان: صادق خورشیا، رضا ناظمیان، علی گنجیان، نهاد کتابخانه های عمومی سراسر کشور، کتاب صبح، ۱۳۸۹ش.
۱۰. البرسی، حافظ رجب، مشارق الانوار الیقین فی اسرار امیرالمومنین عليه السلام، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت: بی تا.
۱۱. بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات، و انجیل، قرآن و علم، ترجمه: ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۶۸ش.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، ترجمه فارسی الجامع الصحیح و هوسنن الترمذی، مترجم: محمدرضا رخشانی، مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل، ۱۳۹۷ش.
۱۳. الراجی، ابوسالم محمد بن طلحه، درّ المنتظم فی سّر الاعظم، بی جا: بی تا.
۱۴. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، انتشارات هیئة المصریة العامة للکتاب، قاهره: ۱۹۹۰م.



۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن ۲ (روش ها و گرایش های تفسیری قرآن)، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، قم: ۱۳۹۶ ش.
۱۶. — «بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۷. — علوم قرآن ۲: (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)، انتشارات المصطفی، قم، ۱۳۹۲.
۱۸. — سید مهدی اعتصامی، «بررسی دائرةالمعارف قرآن اولیور لیمن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۹. زمانی، محمدحسن، «دوره های استشرق»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۲۰. — و فردریش شفر، استفان، «بررسی تفسیر قرآن به زبان آلمانی اثر پروفیسور عادل تسودر خوری» مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۱۵، ۱۳۹۲
۲۱. شبر، سید عبدالله، مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، ناشر بصیرتی، قم: بی تا.
۲۲. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمداقرا موسوی همدانی، موسسه انتشارات امیرکبیر و بنیاد علمی فکری علامه طباطبائی و مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران: ۱۳۷۸ ش.
۲۳. غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، مترجم: مویدالدین محمد خوارزمی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۹۰.
۲۴. فاکر میبیدی، محمد، قواعد التفسیر لدى الشيعة والسنة، مرکز التحقیقات والدراسات العلمية التابع للمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب، قم: ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۷ م.
۲۵. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، تفسیر قرطبی، انتشارات دار الفکر بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۲۶. القشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، نحو القلوب، بی جا: بی تا.
۲۷. قمی، قاضی سعید، شرح توحید الصدوق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۱۳ ق.
۲۹. مجلسی، محمداقرا، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الطهاره ﷺ، انتشارات داراحیاء

- التراث العربی، بیروت، لبنان: ۱۹۸۳م.
۳۰. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، تنقيح: قاسم نوری، الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه، مشهد: ۱۳۸۷.
۳۱. مؤدب، رضا، مبانی تفسیر قرآن، انتشارات دانشگاه قم، قم: ۱۳۸۹ش.
۳۲. نصر، سید حسین و دیگران، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، مترجم: ان شالله رحمتی، انتشارات سوفیا، تهران: ۱۳۹۹.
۳۳. نیشابوری خرگوشی، ابوسعید عبدالملک، تهذیب الاسرار فی اصول التصوف، دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۹۷۱م.



Resources

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Esfahani et al., Al-Mustafa (P) International University Publications, ۲۰۰۹.
۲. Al-Bursi, Hafiz Rajab, Mashariq al-Anwar al-Haqin fi Asrar Amir al-Muminin [The Sources of the Lights of Certainty Concerning the Secrets of the Amir al-Mu'minin], Muassasah al-A'lami lil Matbua'at, Beirut: n.d.
۳. Al-Qushayri, Abu al-Qasim Abd al- Nahw al-Qulub [The Several States of Hearts], N.p.: n.d.
۴. Al-Raji, Abu Salim Muhammad bin Talhah, Durr al-Muntazam fi Sirr al-A'zam [The Set of Pearls in the Great Secret], N.p.: n.d.
۵. Amoli, Haydar bin Ali, Fusus al-Hakam fi Sharh Nass al-Nusus [The Seals of Wisdom; Commentary of Nassa al-Nusus], Toos Publisher, Tehran: ۱۹۸۸.
۶. _____, Jame' al-Asrar wa Manba' al-Anwar [A Comprehension of Secrets and the Source of Lights], Scientific and Cultural Publishing Center, Tehran: ۱۹۸۸.
۷. _____, Tafsir al-Muhit al-A'zam wa al-Bahr al-Khuzam fi Ta'wil Kitab Allah al-Aziz al-Muhkam [The Exegesis of Major Comprehensive and Deep Ocean of Interpretation of the Divine Gracious and Substantial Book], Researched by Mohsin Mousavi Tabrizi, Published by Noor Ali Noor, Qom: ۱۴۲۲ AH.
۸. Amoli, Nafais al-Fonoon fi Arais al-Uyun [Precious Arts], Muhammad bin Mahmoud, Islamia Publications, Tehran: ۲۰۰۲.
۹. Bahrani, Hashim bin Suleiman, Abulhassan Ibn Muhammad Tahir Ameli Nabati Fatuni, Tafsir Rowai al-Burhan: Mira'at al-Anwar wa Mishkat al-Asrar [Narrational Interpretation of al-Burhan: The Mirrors for Lights and Niche for Secrets], Translated by Sadiq Khorsha, Ridha Nazimian & Ali Ganjian, Foundation of the Public Libraries Across the Country, Khetab-e-Subh, Tehran: ۲۰۱۰.

۱۰. Bucaille, Maurice, A Comparison between the Torah and the Bible, the Quran and Science [La Bible, le Coran et la Science: Les Écritures Saintes examinées à la lumière des connaissances modernes,], Translated by Zabihullah Dabir, Islamic Culture Publishing Office [Daftar Nashr Farhang Islami], Tehran: ۴th Edition, Edition, ۱۹۸۹.
۱۱. Faker Meybodi, Muhammad, Rules of Interpretation for Shiites and Sunnis, Center for Research and Scientific Studies Affiliated with the World Assembly for Approximation between Religions, Qom: ۱۴۲۸ AH / ۲۰۰۷ AD.
۱۲. Ghazzali, Muhammad bin Muhammad, Ihya Ulum al-Din [The Revival of the Religious Sciences], Translated by Moayeduddin Muhammad Khwarazmi, Scientific and Cultural Publishing Company, Tehran: ۲۰۱۱.
۱۳. Ibn Arabi, Mohi-ud-Din, Mashahid al-Asrar al-Qudsiyyah wa Matali' al-Anwar al-Ilahiyyah [The Observing Places of Divine Secrets and Rising Places of Divine Lights], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۲۰۰۹.
۱۴. Ibn Shahr Ashob Mazandarani, Muhammad bin Ali, Manaqib Ale Abi Talib [The Excellences and Virtues of Abi Talib's Family], Allamah Publishing Institute, Qom: ۱۳۷۹ AH.
۱۵. Ibn Tawous, Ali bin Musa, Sa'd al-Su'ud [The Greatest Happiness], Ahsan al-Hadith Publications, Tehran: ۲۰۰۷.
۱۶. Ma'refat, Muhammad Hadi, Al-Tafsir wa al-Mufasssiron fi Thawbih al-Jadid [The New Version of "Exegesis and Commentators"], Revision: Qasim Nouri, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad: ۲۰۰۸.
۱۷. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-Aimah al-Athar [Oceans of Lights Comprizing the Pearls of Narrations from Holy Imams], Dar Ihyah al-Turath al-Arabi Publications, Beirut, Lebanon: ۱۹۸۳.
۱۸. Moaddab, Reza, Foundations of Quranic Interpretation, Qom University Press, Qom: ۲۰۱۰.
۱۹. Muttaqi Hindi, Ali bin Husamuddin, Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afa'al [Treasures of the Doers of Good Speaks and Deeds], Muassasah al-Risalah, Beirut: ۱۴۱۳ AH.



۲۰. Nasr Seyyed Hossein et al., The Contemporary Interpretation [The Study Quran], Translated by Insha Allah Rahmati, Sofia Publications, Tehran: ۲۰۲۱.
۲۱. Neyshabouri Khargushi, Abi Sa'd Abdul Malik, Tahdhib al-Asrar fi Usul al-Tasawwuf [The Purification of Secrets Concerning the Principles of Sufism], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۹۷۱.
۲۲. Qomi, Qazi Sa'eed Qomi, Sharh Tawhid al-Saduq [An Explanation of Saduq's Book of Tawhid], Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: ۱۴۱۵ AH.
۲۳. Qurtubi, Abu Abdullah Muhammad bin Ahmad Ansari, Tafsir [Exegesis of] Qurtubi, Dar al-Fikr Publications, Beirut: ۱۴۱۸ AH.
۲۴. Rashdi Rida, Muhammad, Tafsir [Exegesis of] al-Quran al-Hakim (Tafsir al-Manar), Publications of the Egyptian Public Library Books, Cairo: ۱۹۹۰.
۲۵. Rezaie Esfahani, Muhammad Ali Rezaei, "Study of Leiden Quran Encyclopedia", Orientalists' Quranic Studies, Vol. ۱, Fall and Winter ۲۰۰۶.
۲۶. _____, Mantiq Tafsir Quran ۲ (Rawishra wa Garaishhaye Tafsir Quran) [Logic of Quranic Interpretation ۲ (Methods and Trends of Quranic Interpretation)], Al-Mustafa (P) International Center for Translation and Publication, Qom: ۲۰۱۷.
۲۷. _____, Quranic Sciences ۲: (Miracle of Quran in Natural Sciences and Humanities), Al-Mustafa Publications, Qom: ۲۰۱۳.
۲۸. _____, Seyyed Mehdi E'tesami, "A Study of the Encyclopedia of the Quran by Oliver Leaman", Journal of the Orientalists' Quranic Studies, Vol. ۷, Fall and Winter ۲۰۰۹.
۲۹. Subbar, Seyyed Abdullah, Masabih al-Anwar fi Hall Mushkilat al-Akhbar [The Lamps of Lights for Solving the Difficult Points of Narrations], Basirati Publisher, Qom: n.d.
۳۰. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Tafsir [Exegesis of] Al-Mizan, Translated by Seyyed Muhammad Baqir Mousavi Hamadani, Amirkabir Publishing Institute and Allamah Tabatabai Intellectual Scientific Foundation and Raja Cultural Publishing Center, Tehran: ۱۹۹۹.

۳۱. Tirmidhi, Muhammad bin Esa, Persian Translation of Al-Jame' al-Sahih wa Hua Sunan al-Tirmidhi, Translated by Muhammad Raza Rakhshani, Hosseini Asl Publishing Institute, Urmia: ۲۰۱۸.
۳۲. Zamani, Muhammad Hassan, "Periods of Orientalism", Journal of the Orientalists' Quranic Studies, Volume ۲, Spring and Summer ۲۰۰۷.
۳۳. _____, and Friedrich Schaefer, Stephen, "A Study of the Interpretation of the Quran in German by Prof. Adel Theodore Khoury" Journal of the Orientalists' Quranic Studies, Vol. ۱۵, ۲۰۱۳.